

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۱۲ اپریل ۲۰۱۷

"ترمپ" در دام افتاد

نیرو های چهار آتشه جنگ طلب دست راستی امریکا سرانجام "دونالد ترمپ" را از پا در آوردند و وادار به تسلیمش ساختند. "ترمپ" خلاف همه وعده هائی که به رأی دهندگان امریکا داده بود، عمل کرد و به همه قول و قرارش پشت پای زد. این جاست که مردم فرق بین گفتار و عملکرد سیاسیون امریکا را مشاهده می کنند. حملات راکتی "ترمپ" به سوریه عطش جنگ طلبان جمهوریخواه و دموکرات را نسبی کاهش داد و به نظامیان این کشور اطمینان خاطر بخشید که "ترمپ" رئیس جمهور، آن "ترمپ" دوره انتخابات نخواهد بود. هر رئیس جمهور امریکا باید تابع سیستم باشد، سیستمی که بر مبنای توسعه طلبی و تداوم جنگ استوار است.

گروه های فاشیست، محافظه کاران جدید و انگلو- صهیونیستها بر "دونالد ترمپ" غلبه کردند و او را وادار ساختند که سوریه را زیر ضربات مرگبار راکت های توماهاک بگیرد. بعد از کمتر از سه ماه، "ترمپ" به نیرو های جنگ طلب امریکا تسلیم شد و راه جنگ را در پیش گرفت. در خلال این مدت، کودتای نوع امریکائی علیه "ترمپ" در جریان بود: یا او را وادار به پذیرش طرح های نیرو های جنگ طلب سازند و یا این که سر به نیستش کرده یا حد اقل او را نسبت "روابطش با روس ها" به پای میز محاکمه بکشانند. مشاهده می شود که "ترمپ" شرط اول را می پذیرد و از روش جنگ طلبان پیروی می کند.

در ماه اپریل سال ۲۰۱۶، "ترمپ" در یک نطق انتخاباتی اظهار داشت که "یک روز لیبیا را بمباران می کنیم تا در آنجا دموکراسی را تعمیم بخشیم. روز بعد شاهد برپادی این مردم هستیم. پول های عظیمی را بر باد دادیم و انسان ها را نابود کردیم.. و ما خاور میانه را خراب کردیم". پس چه اتفاق افتاد که "ترمپ" دگرگون شد و به همه حرف ها و وعده هایش پشت پای زد. این سؤال را باید در عمق سیستم جست و جو کرد که به دنبال توسعه طلبی و تحکیم حاکمیت جهانی است و یک لحظه هم از این روش عقب نشینی نکرده است. "ترمپ" هیچ گاهی در سیاست شامل نبود. یک قمر باز چه برداشتی از سیاست جهان دارد و بایست چه تحلیلی از سیاست خارجی امریکا داشته باشد. در جریان انتخابات، سیستم امریکا گفتار وی را تحمل کرد و فکر می کرد که شاید در انتخابات موفق نشود. اما بعد از پیروزی، سیستم وارد میدان عمل گردید تا "ترمپ" را یا به راه بیاورد و یا این که از صحنه بدرش کند. "ترمپ" اکنون راه اول پذیرفته و طبق دستور سیستم عمل می نماید.

زمانی که "ترمپ" وارد قصر سفید شد و در اریکه قدرت قرار گرفت، فرق سیاست بازی و قمار بازی را عملاً مشاهده و تجربه کرد. در ۲۰ جنوری یعنی روز حلف وفادری، "ترمپ" کلمات زیبایی را به کار برد که موقتاً چنگی به دل زد. "ترمپ" گفت: "ما سیاست خارجی متفاوتی را تعقیب می کنیم. سیاستی که از اشتباهات گذشته درس می گیرد... ما بیشتر در صدد برانداختن رژیم ها نخواهیم بود... من رئیس جمهور جهان نیستم، بلکه رئیس جمهور امریکا هستم". آیا این جملات برای سیستم همیشه متجاوز قابل تحمل است؟ آیا برای سناتور "مکین" و سناتور "گراهام" جنگ طلب حرف های "ترمپ" قابل پذیرش است؟ هر گز نه!

صرف یک روز قبل از راکت باران سوریه، "تیلرسن" وزیر خارجه امریکا اعلام داشت که "سرنوشت بشار اسد توسط مردم سوریه تعیین می شود"، لکن چه شد که همه چیز به یک بارگی عوض گردید. دقیقاً ۶۳ ساعت بعد از حمله وحشیانه سلاح کیمیائی در سوریه، اداره "ترمپ" دستور حمله را به سوریه صادر کرد. تا حال معلوم نیست که آیا دولت "بشار اسد" دستور استفاده از اسلحه کیمیائی را صادر کرده یا این که دست های مرموز دیگری در کار بوده است که بهانه ای برای جنگ طلبان امریکائی بدهد و اداره "ترمپ" را به حمله به سوریه وادار سازد. با خلق این حادثه، اداره "ترمپ" تغییر ماهیت داد و مانند اداره "بوش" و "اوباما" و "کلنتن" عمل نمود.

"دونالد ترمپ" با حملات راکتی بر سوریه، چهار هدف را تعقیب نموده است: اول این که، به مردم خود و جهان نشان داد که او دست نشانده روسیه نیست. دوم این که، فشار سیاسی توسط گروه های جنگ طلب و دموکرات ها را بر خود کاهش داد و به آنها ثابت نمود که پیرو سیستم است و از آنها اطاعت می نماید. سوم این که، توجه مردم و مطبوعات را از موضوع مداخله روسیه در انتخابات و طرز انتخاب شدنش دور نمود و آن را به سوی بحران سوریه معطوف داشت. چهارم این که، روسیه، چین، ایران و کوریای شمالی را به عقیده اش ترساند و به اتحادیه اروپائی قوت قلب بخشد. تجاوز به سوریه زمانی اتفاق افتاد که "اکسی جین پینگ" رئیس جمهور در کنارش بود و خلاف آداب دیپلماتیک، به چنین قباحتی دست زد. "ترمپ" خواست بدین طریق به کوریای شمالی و ایران پیغام بفرستد و به آنها بفهماند که امریکا توان و اراده در هم کوبیدن آنها را در صورت لزوم دارد.

"بشار اسد" رئیس جمهور سوریه اظهار داشت که "امریکا خواست با ضربه به سوریه و نقض حاکمیت این کشور، روحیه تروریستهای شکست خورده را بالا ببرد، اما به هدف نرسید". روزنامه هافینگتن پست نوشت:

تغییر دادن حکومت در بسیاری از کشورها انجام شده و در نهایت به پیامدهای فاجعه باری منجر شده است. این عملکرد در سوریه نیز نتیجه مرگباری خواهد داشت. اکنون "دونالد ترمپ" و ننومحافظه کاران بر طبل جنگ می کوبند. آنچه درباره این حادثه هولناک تر است این که بحث هائی است که درباره تغییر دادن حکومت سوریه مطرح می شود، بدین معنا که به نظر می رسد طرح ها برای تهاجم به سوریه و سرنگون کردن اسد در حال نهائی شدن هستند".

از جریان بحران سوریه بر می آید که "ترمپ" تصمیم دارد همان سیاست خارجی را که در جریان انتخابات منتقدش بود، ادامه داده و در نهایت تابع دساتیر جنگ طلبان امریکا شود. این روش بار ها در سیاست خارجی امریکا امتحان شده و هر بار هم به شکست افتضاح آمیزی مواجه گردیده است. اداره "ترمپ" قبل از آن که بر مبنای برخی اتهامات و توطئه ها در باره سلاح های کشتار جمعی وارد جنگ گردد، باید با دقت دوبار بیندیشد. برانداختن نظام ها در چند سال اخیر نتایج مصیبت باری داشته است. "ترمپ" می داند که چه فاجعه ای در عراق و لیبیا پدید آمد. پس یا باید خودش "ترمپ" خود باشد و یا این که "ترمپ" نیرو های جنگ طلب.